

اولویت ابعاد و معیارهای تأثیرگذار در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۶

آرش صادقیانی^۱، عبدالله روزبه گل‌افشانی^۲، محمد جاهد قدمی^۳، سید مصطفی هدایت نژاد کاشی^۴

از صفحه ۱۱۵ تا ۱۳۶

چکیده

زمینه و هدف: امروزه کاهش امنیت اجتماعی شهرها، از نتایج رشد بی‌رویه‌ی شهر و بی‌هویت ماندن در آن است. رویکردهای جدید طراحی محیطی نیز بر این نکته تأکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و اعمال ضوابط ویژه در آن‌ها، می‌توان به میزان گسترده‌ای از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری کرد و «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»^۵ را می‌توان برای کاهش یا جلوگیری از جرائم و بهسازی کیفیت زندگی دانست.

روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر، دارای رویکردی تحلیلی-توصیفی است. مبانی پژوهش به روش کتابخانه‌ای و مرور اسنادی تهیه شده است. نگارندگان در این پژوهش، پس از بیان مفاهیمی مرتبط با موضوع پژوهش و همچنین بیان ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع، به بررسی پیشینه نظریه‌های طراحی کالبدی به منظور پیشگیری از جرائم محیطی پرداخته و پس از استخراج مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های تأثیرگذار بر ارتقای امنیت اجتماعی برگرفته شده از نظرات اندیشمندان این حوزه، اقدام به تدوین الگوی تحلیلی مرتبط با موضوع پژوهش کرده‌اند و سپس پرسش‌نامه‌ای بر اساس شاخص‌های بیان شده در این الگوی تحلیلی تنظیم شده است.

یافته‌ها: با استفاده از آزمون تی؛ تحلیل همبستگی، رگرسیون ساده و چند متغیره در نمونه موردی مدنظر مورد سنجش قرار گرفته که در نهایت، صحت و درستی الگوی مفهومی تبیین شده اثبات شد.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که مؤلفه حس مالکیت (قلمروگرایی)، بیش‌ترین نقش را در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری به نسبت مؤلفه‌های دیگر دارا است.

کلیدواژه‌ها

امنیت اجتماعی، بافت فرسوده، شهرسازی، طراحی شهری.

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری، مدرس دانشکده معماری، دانشگاه سوره، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد مدیریت انتظامی، عضو هیئت عملی دانشگاه علوم انتظامی، a.rozbeh@chmail.ir

۳. نویسنده مسئول، پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران

Mj.ghadami@srbiau.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، mostafa.hedayat@yahoo.com

۵. Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

نظریه‌پردازان، در شناسایی عوامل محیطی بروز جرائم دریافته‌اند: مکان، انسان و زمان سه عنصر اصلی مؤثر در شکل‌گیری رفتار مجرمانه است؛ بنابراین تفاوت در شرایط مکانی، زمانی و رفتاری سبب توزیع جغرافیایی متفاوت بزه‌کاری می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ بزه‌کاران در انتخاب محل و زمان انجام رفتارهای مجرمانه خود، منطقی و سنجیده عمل می‌کنند و تنها مکان‌هایی را برمی‌گزینند که امکان ارتکاب جرم در آن آسان‌تر باشد و سریع‌تر بتوانند از محل فرار کنند؛ به بیان دیگر، تمامی جرائم دارای ظرف مکانی و زمانی خاصی هستند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

بدین ترتیب در محدوده شهرها، کانون‌هایی شکل می‌گیرد که دارای فرصت‌ها و اهداف مجرمانه بیشتر و به‌دنبال آن، جرائم بسیار بالاتری است؛ بنابراین شناسایی این محدوده‌ها و بررسی مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر بزه‌کاری، بیش از پیش اهمیت یافته است تا بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید (کلانتری، ۱۳۸۶: ۷۶) و از آنجاکه جلوگیری از جرائم شهری- از طریق طراحی شهر- جدیدترین رویکرد به مقوله امنیت در ساختار شهری به حساب می‌آید که باید همراه با دیگر مؤلفه‌ها در شهر، مورد ارزیابی و پژوهش قرار گیرد؛ بنابراین نگارندگان در این پژوهش، پس از مروری اجمالی به مبانی نظری و نظریه‌های موجود در این زمینه و اخذ جامع‌ترین نظریات مداخله در حوزه کار طراحی شهری، مبادرت به استخراج الگوی تحلیلی برگرفته از مبانی نظری کرده که در نهایت الگوی تدوین شده در نمونه موردی، مورد سنجش قرار می‌گیرد.

سؤال‌های تحقیق عبارت‌اند از: مؤلفه‌های حس مالکیت (قلمروگرایی)، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از کاربری‌ها و فعالیت و مدیریت، تعمیر و نگهداری به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقا امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری در نظر گرفته شده است و با توجه به الگوی مفهومی تدوین شده در راستای سنجش هر یک از ابعاد، معیارها و شاخص‌های هر یک از این مؤلفه‌ها، پرسش‌نامه‌ای تدوین شد و از ساکنان محله خواسته شد تا به این سؤال‌ها پاسخ دهند که از این طریق بتوان اولویت

تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های تدوین شده در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری را تعیین کرد.

این پژوهش، دارای رویکردی تحلیلی و اسنادی است که با بهره‌گیری از منابع موجود، به بررسی نظریه‌های مختلف پرداخته و با استفاده از پیمایش، مطالعات میدانی (به صورت مشاهده) و پرسشنامه انجام می‌پذیرد.

بیان مسئله

به گفته کوین لینچ^۱؛ هدف اصلی طراحی شهری، ارتقای کیفیت محیط کالبدی انسان و از آن طریق، ارتقای کیفیت زندگی است. با اندکی تعمق و مطالعه در محلات و فضاهای شهری، می‌توان گفت که فضاهای شهری نامناسب، به کیفیت حیات شهری آسیب می‌زند؛ فارغ از اینکه در بافت‌های فرسوده باشند یا نه و یا کالبدشان نوسازی شده باشد یا نه. وقتی فضاهای شهری، محل جذاب برای بروز آسیب‌های اجتماعی جرائم فردی یا دسته‌جمعی و ناامنی می‌شود و یا این فضاها تبدیل به فضاهای متروکه، پارکینگ و زباله‌دانی می‌شوند؛ حس رضایتمندی و کیفیت‌های زندگی کاهش می‌یابد؛ بنابراین هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی، مثل از بین رفتن فرصت‌های کالبدی برقراری تعامل اجتماعی، منجر به ناپایداری اجتماعی می‌شود. از طرفی با توجه به حجم وسیع بافت‌های فرسوده شهری و نیز عدم برقراری امنیت اجتماعی مطلوب در بافت‌های فرسوده پس از نوسازی؛ به نظر می‌رسد که از نظر دانشی هنوز راهکارهایی برای ارتقای امنیت اجتماعی در بافت‌های فرسوده که در محیط واقعی و در سطح محلات آزموده شده باشد، تدوین و به کار گرفته نشده است. همچنین به لحاظ کاربردی، درحالی که نیل به امنیت اجتماعی مطلوب، به عنوان یکی از اهداف محوری نوسازی است؛ اما وقتی در بافت‌های نوسازی شده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در سطحی پایین‌تر از وضع مطلوب برآورد می‌شود؛ اهمیت و ضرورت انجام پژوهش دوچندان می‌شود.

شهر تهران، از جمله شهرهایی است که با مسئله بافت‌های فرسوده مواجه است؛ چراکه گسترش آن در چند دهه اخیر، با سرعت زیادی صورت گرفته است. این گسترش بی‌رویه و بدون برنامه؛ سبب ایجاد بافت‌های روستایی مجاور در داخل نواحی شهری شده است. از سویی دیگر، بسیاری از بافت‌های داخل هسته‌های قدیمی شهر نیز به تدریج،

1. Kevin Lynch

کارکرد و حیات اجتماعی خود را از دست داده‌اند که در نهایت با از بین رفتن شرایط مناسب کالبدی، ساکنان قدیمی آن‌ها نیز به مناطق دیگر نقل مکان کرده و به جای آن‌ها، ساکنان جدید با ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت در این نواحی ساکن شده‌اند. از عمده‌ترین مسائل و مشکلات بافت فرسوده شهر تهران - به خصوص محله شهید خوبخت - می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم توجه به اصل حضور مردم در ساختار نوسازی بافت؛
- ضعف دانش فنی مورد نیاز در نوسازی بافت‌های فرسوده؛
- عدم توجه به شناخت ماهیتی ساختارهای تشکیل‌دهنده بافت؛
- انعطاف‌پذیری اندک و نگاه موضعی و بخشی در سازمان‌دهی امور بافت؛
- عدم تمرکز مدیریت شهری و نبودن وحدت رویه بین سازمان‌ها؛
- ضعف قوانین و مقررات و عدم ضمانت اجرای قوانین و مقررات موجود؛
- تسلط اهداف کمی بر اهداف کیفی.

مجموعه موارد مطرح شده، نشان‌دهنده آن است که روش‌ها و رویکردها، همچنین تصمیم‌ها و قوانین اتخاذ شده از جانب مدیران شهری در محله شهید خوبخت، برای حل مسئله یا به عبارتی معضل بافت‌های فرسوده محله، نتوانسته است به شیوه‌ای کارآمد و پویا، به رفع مشکلات این‌گونه فضاهای شهری کمک کند؛ بنابراین، آنچه شرایط امروز جامعه شهری تهران و به ویژه مناطق و محل‌های دارای بافت‌های فرسوده محتاج آن است؛ جست و جوی شیوه‌های اجرایی مؤثر و سازوکارهایی است که بتواند به صورت کارا در فرصت زمانی نه‌چندان طولانی، با مسئله برخورد کند و شدت آن را تخفیف دهد؛ علاوه بر آن، از فرصت‌سازی در جهت توسعه شهری نیز بتوان استفاده کرد.

بنابراین نیاز است؛ به لحاظ دانشی و کاربردی در این محور، مطالعات عمیق‌تری انجام شود و راهکارهایی تدوین و ارائه شود که بتوان از طریق طراحی شهری و استفاده از ابزارهای آن، امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری را ارتقا داد.

مبانی نظری پژوهش

بافت فرسوده شهری: در ادبیات شهرسازی جهان، عناوین مختلفی به بافت‌های دارای مشکل اطلاق شده است؛ شهر درونی^۱ یکی از نام‌هایی است که به نوعی به آن‌ها اشاره می‌کند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ برنامه‌ریزان و طراحان شهری، از محدوده‌های مابین مرکز شهر و حاشیه شهر با این عنوان یاد می‌کردند؛ در دهه ۱۹۷۰ نیز مسائل شهری به عنوان مسائل درونی شهر مطرح می‌شد. رفته‌رفته این اصطلاح در مورد مناطقی که از نظام طبیعی رشد و توسعه شهر بازماندند، بکار رفت. شهر درونی، به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که دارای خانه‌های فقیر، میزان بالای بیکاری، اجتماعات ناپایدار و مشکلات اجتماعی باشد. در سال ۱۹۸۹ کالین وارد^۲ پیشنهاد داد که از این اصطلاح برای اشاره به مناطق فقیر شهری استفاده شود. در این ایده، شهر درونی بیشتر از یک محدوده شهری بود. محدوده‌هایی که در آن افراد فقیر و مهاجران کارگر - خارج از چرخه اقتصادی شهر - زندگی می‌کنند و در اصطلاح به آن «محدوده گذار^۳» اطلاق می‌شد. بر اساس تحقیقاتی که در سال ۱۹۹۹ انجام شد؛ در ذهنیت عمومی مردم، شهر درونی محلی بود که معتادان در آن حضور دارند و اصلاً نمی‌شود ماشین در آن پارک کرد (کوپن، ۲۰۰۵: ۱۹۶).

در نهایت شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که «فرسودگی»، جاماند مکان از زمان است. این تعریف، با نمودهایش تشخیص می‌یابد. شناسه‌های فرسودگی که تعریف آن را ملموس و معلوم می‌کند؛ می‌توان در سیاهه‌ای از عامل‌ها شناسایی کرد: ناهنجاری‌های اجتماعی، عقب‌ماندگی فرهنگی، بحران‌های روانی - ذهنی، نارسایی‌های کالبدی، ناسازگاری‌های کارکردی، نزول ارزش‌های اقتصادی، نبود خدمات شهری روزآمد، آلودگی‌های محیطی، نبود بهداشت، تراکم یا نبود جمعیت، کاهش منزلت اجتماعی و...؛ اما این همه یک‌باره و یکجا تولید نمی‌شود. فرسودگی پدیده‌ای تدریجی و هم‌افزا است؛ قابلیت بازتولید دارد و به کاهش نسبی بهره‌وری می‌انجامد (سپانلو، ۱۳۸۸: ۳۱).

تغییر شرایط محیط، کالبدی و اجتماعی است که موجب کاهش فرصت ارتکاب جرم شده و به معرفی گزینه‌ها یا حالت‌هایی از این شرایط که منجر به عدم ارتکاب جرم

1. Inner City
2. Colin Ward
3. Zone of Transition

می‌شود، خواهد پرداخت (برانتینگهام، 1976: 292-289). بر اساس نظریات هوگ^۱ (۱۹۸۰)، پیشگیری وضعی جرائم از طریق طراحی محیطی یا مداخله ویژه و آنی، در محیطی است که در آن جرم به طور سامانمند و دائمی اتفاق می‌افتد. این نظریه در عین حال که عموماً متمرکز بر تغییر محیط برای کاهش فرصت ارتکاب جرم است؛ هدف خود را بر نتایج دیگری از جمله: کاهش ترس از وقوع جنایت در محیط‌های کالبدی توسط مجرمان، افزایش کیفیت‌های زیبایی‌شناختی محیط و افزایش کیفیت زندگی برای شهروندان آسیب‌پذیر نیز قرار داده است (کلارک، ۱۹۹۵: ۸).

نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، به لحاظ توجه بیش از اندازه به محیط بیرونی دارای محدودیت‌هایی است. برای داشتن نظریه فعال‌تر و مؤثرتر، باید به هر دو محیط بیرونی و درونی به طور یکسان توجه شده و یا به ترتیب به محیط و مجرم پرداخته شود. کارمن در سال ۱۹۹۷، باز تعریفی از این نظریه را پیشنهاد کرده که شامل هر دو وجه کلان (بیرونی یا خارجی) و خرد (درونی یا داخلی) سطوح تحلیل می‌شود. این باز تعریف، توسط جفری در توضیح نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» جامع و فراگیر، به تفصیل شرح داده شده است. از زمانی که جفری بر روی مؤلفه‌های محیط درونی و روانی متخطیان متمرکز شد (جفری، ۱۹۹۰: ۴۸۱)؛ به پیشنهاد خود او، نظریه پیشگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی به نظریه پیشگیری از جرائم تغییر نام یافت؛ چراکه در نظریه جدید، تنها مؤلفه‌های محیطی نبودند که اهمیت داشتند؛ بلکه بسیاری از مؤلفه‌های روانی، اجتماعی، جرم‌شناسی و رفتارشناسی دخیل بودند. در واقع جفری مفهوم اصیل «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را که ساخته و پرداخته خودش بود؛ به مفهومی عام‌تر در چارچوب نظریه پیشگیری از جرم توسعه بخشید (جفری، ۱۹۹۳: ۳۳۰-۱).

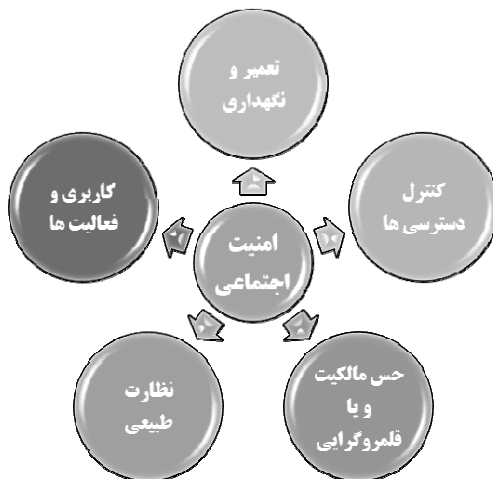
1. Hough
2. Clark

جدول ۱: پیشینه رویکرد پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی

پیشینه و سوابق رویکرد در آرای اندیشمندان و صاحب‌نظران شهری		
<ul style="list-style-type: none"> نیاز به خیابان‌های امن شهری جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی تنوع کاربری‌ها و اختلاط آن‌ها در سطح شهر استفاده مؤثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری، برای کاهش احتمال وقوع جرم تأکید بر اهمیت محیط کالبدی برای پیشگیری از جرم 	<ul style="list-style-type: none"> الیزابت وود جین جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی اسکلامو آنجل در کتاب تضعیف جرم توسط طراحی شهری 	دهه ۱۹۶۰ میلادی
<ul style="list-style-type: none"> کاهش پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی تشویق مردم به گزارش و برخورد با تخلفات و جرائم شهروند باید ببیند و دیده شود 	<ul style="list-style-type: none"> رای جفری در کتاب جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی اسکار نیومن در کتاب فضاهای قابل دفاع 	دهه ۱۹۷۰ میلادی
<ul style="list-style-type: none"> ارائه نظریه پنجره‌های شکسته (پنجره‌های شکسته هستند که فرصت را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرائم در سطح شهر فراهم می‌کنند) تأکید بر اهمیت حیاتی نگهداری محیط، به عنوان شاخص فیزیکی برای سطوح همبستگی اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی اشاره به ناسامانی طراحی محیط مصنوع اشاره بر ناکارآمدی قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی، در کاهش فرصت‌دهی برای تجاوزات و جرائم شهری 	<ul style="list-style-type: none"> جرج کلینگ و ویلسون پل براتینگهام در کتاب جرم‌شناسی شهری 	دهه ۱۹۸۰ میلادی
<ul style="list-style-type: none"> ارائه راهبردهای رویکرد تأکید بر طراحی مناسب و استفاده مؤثر از ساخت محیط در جهت کاهش جرم و ترس از جرم 	<ul style="list-style-type: none"> تیم کرو 	دهه ۲۰۰۰ و ۱۹۹۰ میلادی

منبع: نگارندگان

الگوی مفهومی پژوهش



الگوی مفهومی، جهت ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری

مأخذ: نگارندگان

جدول ۲: الگوی مفهومی جهت ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری

مفهوم	بعد	معیار	شاخص	
امنیت اجتماعی کالبد	حس مالکیت و با قلمروگرایی	حس مالکیت و با قلمروگرایی	تعریف واضح و مشخص مرزهای فضاهای عمومی و خصوصی	
			برپایی مراسم‌های آیینی و ... مشترک در فضاهای عمومی شهری محله، به منظور ایجاد خاطره جمعی مشترک در جهت تقویت حس تعلق مکان	
			برانگیختن و تشویق انگیزه ساکنان، به منظور مداخله در فضاهای شهری محله	
			استفاده از مرزهای فیزیکی، علائم و نگهداری مناسب مشخص‌کننده قلمرو فضایی جهت شناسایی مزاحمان	
			امکان نظارت، کنترل و مداخله بر فضاهای عمومی شهری توسط ساکنان	
			مشخص کردن مالکیت زمین‌ها و مکان‌های متروک	
	کنترل دسترسی‌ها	کنترل دسترسی‌ها	کنترل دسترسی در بلوک‌های مجزای ساختمانی و یا در مراکز تجاری از طریق قفل‌ها، درب‌ها و حفاظت‌ها و... به منظور ممانعت از ورود اشخاصی که حضورشان در محل دلیل مناسبی ندارد.	عدم امکان دسترسی غیرساکنان (غریبه‌ها) به فضاهای عمومی شهری محله، از طریق ایجاد مرزهای ذهنی بدون ایجاد مانع فیزیکی مرزهای یک فضا مانند تابلوها، مصالح پیاده‌رو، کوره راه‌های طبیعی، حفاظت‌ها، بوته‌ها و سایر نشانه‌های فیزیکی و یا هر چیز دیگری...
				کنترل دسترسی در بلوک‌های مجزای ساختمانی و یا در مراکز تجاری از طریق قفل‌ها، درب‌ها و حفاظت‌ها و... به منظور ممانعت از ورود اشخاصی که حضورشان در محل دلیل مناسبی ندارد.
				ایجاد مکان‌هایی با معیار، فضاها و ورودی‌های تعریف شده که امکان حرکت راحت و مناسب را در عین امنیت فراهم کند
				رعایت ساختار سلسله مراتبی شبکه حمل‌ونقل (عبوری، مقصدی)
				عدم وجود زوایای پنهان و مکان‌های غیر افتادن در پارک‌ها (بوته‌های بلند و شاخه‌های انبوه درختان)
				مکان مشاهده و نظارت همگانی آسان به تمامی فضاهای شهری معیار، میدان‌ها از طریق اتخاذ راهبردهای طراحی مانند امکان ایجاد حداکثر تعداد ممکن پنجره‌ها، درب‌ها و سایر بازشوها از فضاهای خصوصی به فضاهای عمومی شهری
نظارت طبیعی	نظارت طبیعی	نظارت طبیعی	نورپردازی فضاهای اصلی شهری مانند خیابان، میدان و... در شب، به منظور افزایش نظارت طبیعی وجود کاربری‌هایی (مثل فروشگاه‌ها، مراکز خدماتی فعال) که مشوق فعالیت‌های معطوف به نظارت غیررسمی و برقراری ارتباط متقابل افراد در طول شبانه‌روز باشد.	
			اتخاذ تدابیر مناسب در طراحی، همانند بهره‌مندی از فاصله مناسب میان ساختمان‌ها، وسعت و اندازه مناسب فضاهای عمومی به منظور امکان نظارت طبیعی	
			تعمیر و نگهداری کالبدی ساختمان‌ها، به منظور عدم ایجاد ساختمان‌هایی با ظاهر و نمای کثیف، مخدوش و ناهماهنگ	
			تعمیر و نگهداری وضعیت کف‌سازی، میلان شهری، باجه‌های تلفن، تابلوها و علائم شهری، چراغ‌های روشنایی، محوطه‌سازی	
			تعمیر و نگهداری به منظور ارتقای کیفیت کالبدی کاربری‌های به وجود آورنده (کالبد پارک‌ها، معابر)	
			اختلاط کاربری (مسکونی، تجاری، مراکز خدماتی فعال) به منظور افزایش تعاملات اجتماعی حضور پررنگ کاربری‌های مشوق افزایش تعاملات اجتماعی (مراکز تفریحی، مذهبی، فرهنگی)	
کاربری‌ها و فعالیت‌ها	کاربری‌ها و فعالیت‌ها	کاربری‌ها و فعالیت‌ها	توزیع مناسب و همگون کاربری‌های مشوق افزایش تعاملات اجتماعی (مراکز تفریحی، مذهبی، فرهنگی) در سطح محله	
			وجود فعالیت‌های شبانه‌روزی، مانند داروخانه‌های شبانه‌روزی، تاکسی تلفنی	

مأخذ: نگارندگان

روش‌شناسی تحقیق

آن چیزی که در علوم اجتماعی از آن به عنوان روش‌شناسی (متدولوژی) نام می‌بریم، بیشتر از آنکه مهارت یا شیوه‌های گوناگون برای تحقیق یا پژوهش (روش تحقیق) باشد؛ خبر از انواع رویکردها و نظرگاه‌ها به پدیده‌های اجتماعی می‌دهد؛ از این‌رو، روش‌شناسی بیشتر بحثی معرفت‌شناختی (اپیستمولوژی) است و بیشتر با مکتب و دیدگاه سروکار دارد، نه با روش و شیوه‌های جزئی تحقیق؛ در واقع زمانی که از فرضیه و رابطه علی متغیر مستقل و وابسته و همبستگی متغیرهای اندازه‌گیری اسمی فاصله‌ای و نسبی و نمونه‌گیری و استناد به منابع متقن علمی (کتاب و مقاله) سخن می‌گوییم، درباره روش تحقیق به بحث پرداخته‌ایم؛ اما زمانی که سخن از رویکردهای پوزیتویستی هنجاری، نهادی، رفتارگرایی، فمینیستی، تجزیه و تحلیل گفتمان، انتخاب عقلایی، تجزیه و تحلیل موقعیت، فردگرایی و ساختارگرایی و... است؛ تمرکز بر رهیافت، مکاتب و متدولوژی است؛ از این‌رو در هر رهیافت ممکن است روش‌های متفاوتی وجود داشته باشد. نسبت رهیافت (متدولوژی) به روش، همانند نسبت دیدگاه به ابزار است. در فرآیند پژوهش حاضر، از مجموعه‌ای از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است که هم به صورت نظریه و هم به صورت میدانی، موضوع را مورد بررسی قرار داده است. روش پژوهش در بخش مبانی نظری، توصیفی، تطبیقی و تحلیلی و در بررسی نمونه مطالعاتی و یافته‌های پژوهش، پیمایشی و تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات شامل روش‌های کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و مشاهدات میدانی است. نمونه مورد مطالعه محله شهید خوبخت- منطقه ۱۵ تهران- است که پس از تدوین الگوی مفهومی، از طریق روش‌های علمی و تحلیل آماری و توصیفی پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

روند شکل‌گیری و تکامل نظریه‌های پیشگیری وضعی از جرائم از طریق طراحی محیطی

در این مبحث، به دهه‌های شکل‌گیری و تحول نظریه‌پردازی «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» از دهه ۶۰ می‌پردازیم. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، اصالتاً به وسیله سی. ری. جفری ابداع و تنظیم شده است. در همین زمان، اصطلاح محدودتری توسط اسکار نیون^۱ تحت عنوان «فضای قابل دفاع»^۲ مطرح شد. هر دوی این افراد، کار خود را بر مبنای کار اسچلموآنجل^۳، الیزابت وود^۴ و جین جاکوبز^۵ قرار داده بودند. کتاب جفری تحت عنوان «پیشگیری از جرم از طریق محیطی» در سال ۱۹۷۱ منتشر شد؛ اما کار وی مورد توجه قرار نگرفت و به فراموشی سپرده شد. کتاب نیومن که هم‌زمان با کتاب جفری به چاپ رسید (ولی بدون اینکه وی از جفری الهام گرفته باشد) «فضای قابل دفاع» نام داشت. دیدگاه نیومن توسط سایر نظریه‌های مرتبط چون «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» مورد تأیید و حمایت بود. نیومن، جفری را به وجود آورنده و منشأ اصلی این مفهوم می‌داند و این نظریه را به وی نسبت می‌دهد. دیدگاه نیومن در مورد فضای قابل دفاع، دیدگاه جفری را در مورد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» ارتقا بخشید و منجر به بازنگری مجدد کتاب توسط جفری شد. جفری جنبه‌ها و ابعاد مختلف این دیدگاه را بررسی کرد و آن‌ها را گسترش داد و نهایتاً در سال ۱۹۹۰، کتاب خود را دوباره منتشر کرد. الگوی جفری از الگوی نیومن، بسیار جامع‌تر و کامل‌تر بود؛ زیرا نیومن الگوی خود را صرفاً به «محیط ساخته شده»^۶ محدود می‌کرد. الگوی دیگری که بر مبنای الگوی نیومن بنا شده است، الگوی است که کرو^۷ آن را پیشنهاد داده است (کرو، ۲۰۰۰: ۳۵). در جدول زیر، خلاصه‌ای از سیر شکل‌گیری تاریخی این نظریه بیان می‌شود.

1. Defensible space
2. Defensible space
3. Aschlmvanjl
4. Elizabeth Wood
5. Jane Jacobs
6. The built environment
7. Crowe

جدول ۳: سیر شکل‌گیری تاریخی نظریه پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیطی

بازه زمانی	نظریه پردازان	نظریه‌ها	پیشنهادات
دهه ۶۰ میلادی	الیزابت وود ۱۹۶۰	۱- چاپ کتابی تحت عنوان «جنبه‌های اجتماعی خانه‌سازی در توسعه شهری» (۱۹۷۶) ۲- نخستین کسی که ارتباط میان محیط کالبدی و جرم را بیان می‌کند. ۳- یکی از مهم‌ترین مدافعان اهمیت محیط فیزیکی در رسیدن به اهداف اجتماعی (نیومن، ۱۹۷۳: ۱۱۹)	۱- تدوین اصول راهنمایی در طراحی و شکل فیزیکی به منظور پیشگیری از جرم و بالا بردن کیفیت زندگی و نظارت طبیعی ۲- ارتقای رؤیت‌پذیری واحدهای آپارتمانی، از طریق ساکنان آن ۳- بهره‌گیری از طراحی اجتماعی در حوزه مسکن و خانه-سازی ۴- کنترل اجتماعی در مناطق مسکونی از طریق نظارت طبیعی به وسیله ساکنان (نیومن، ۱۹۷۳: ۱۱۹)
	جین جیکوبز (۱۹۶۱)	۱- چاپ کتابی تحت عنوان «حیات و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا» ۲- بیان وجود رابطه بین جرم و طراحی کالبدی محیط زندگی انسان ۳- فقدان «حفاظت طبیعی» موجب افزایش جرم در محله خواهد شد.	۱- تفکیک و مشخص کردن فضاهای عمومی از خصوصی ۲- متنوع و گوناگون کردن کاربری خیابان ۳- استفاده از پیاده‌روهایی با سطحی بلند با قرارگیری کاربری‌های جذاب طبقه همکف ۴- کنترل و مراقبت فضاهای شهری، از طریق اشراف و دید به این فضاها، با نصب تراس‌ها و پنجره‌ها به نقاط اختفا و کور ۵- (هر ناحیه و منطقه‌ای به کاربری‌های بیشتری اختصاص یابد و حوزه‌ها تک عملکردی نبوده و به یک فعالیت خاص محدود نشود. ۶- طول بلوک‌های ساختمانی بیش از حد و حداکثر بیشتر از ۹۰۰ فوت نباشد و امکان برخورد اجتماعی را افزایش داده و نفوذپذیری زیادت شود. ۷- ساختمان‌های با قدمت مختلف در محل وجود داشته باشد؛ چون ساختمان‌های قدیمی به اعتبار محل کمک زیادی می‌کند. ۸- تجمع و تراکم بالایی از مردم در محل باشد (گلکار، ۱۳۸۰: ۶۵).
	اسچلمو آنجل (۱۹۶۸)	۱- تدوین کتابی تحت عنوان «بازداشتن از جرم از طریق طراحی شهری» (۱۹۶۸) ۲- تأثیرگذاری مستقیم محیط فیزیکی بر جرم از طریق تعیین قلمرو، کاهش یا افزایش قابلیت دسترسی از طریق ایجاد مانع یا حذف و تسهیل و افزایش نظارت توسط پلیس یا شهروندان ۳- وجود ارتباط معکوس مابین میزان جرائم ارتكابی در یک خیابان و حجم میزان فعالیت در آن خیابان (آنجل، ۱۹۶۸: ۴۵)	۱- بهره‌گیری از فشردگی بالا (تراکم زیاد) باعث افزایش تعداد افراد ناظر و به دنبال آن افزایش نظارت متقابل می‌شود. ۲- نزدیک شدن پیاده‌روها و محل‌های کسب‌وکار به مناطق پر رفت‌وآمد و پارکینگ‌ها در تغییر طراحی محیطی (آنجل، ۱۹۶۸: ۴۵)
ری جفری ۱۹۷۱	۱- تدوین کتابی با عنوان «جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی» ۲- نقش محیط فیزیکی در گسترش و توسعه تجربه‌های خوشایند و غیر خوشایند مجرمینی که ظرفیت تغییر نتایج رفتاری خود را دارند. ۳- بهره‌گیری الگوی اصلی (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) وی مبتنی بر الگو «محرک و پاسخ» در «نظریه یادگیری روان‌شناختی» اسکینر (جفری، ۱۹۹۳: ۲۳) ۴- توسعه الگوهای رفتاری به منظور سنجش میزان تأثیر محیط‌های فیزیکی و رفتار مجرمان بر یکدیگر، در جهت پیش‌بینی تأثیر تغییر و اصلاح محیط خارجی و داخلی بر رفتار مجرمان (فورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۵).	۱- تأکید بر پاداش مادی و استفاده از محیط فیزیکی به منظور کنترل رفتارها ۲- پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی «تمام محیطی» و با هدف کاهش فرصت‌های مجرمانه (جفری، ۱۹۹۳: ۲۳)	

ادامه جدول ۳: سیر شکل‌گیری تاریخی نظریه پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیطی

دهه ۷۰ میلادی	اسکار نیومن	تدوین کتابی تحت عنوان «فضای قابل دفاع» (۱۹۷۳) و همچنین تبیین نظریه‌ای با همین نام (فضای قابل دفاع)	۱- فضای قابل دفاع به مردم و ساکنان، این اجازه را می‌دهد که دیده شوند و قابلیت دیده شدن را داشته باشند. این مسئله موجب کاهش ترس ساکنان خواهد شد. ۲- در فضاهای قابل دفاع، مردم باید هنگامی که جرمی رخ می‌دهد به گزارش دادن آن جرم یا دخالت کردن در آن تمایل داشته باشند. افزایش حس امنیت ساکنان در محل زندگی یا کار آنان، منجر به تشویق مردم به کنترل و نظارت بر محله خود شده و نهایتاً حس مالکیت و حس تعلق به محله را افزایش خواهد داد (فورچی‌بیگی، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۵)
دهه ۸۰ میلادی	ویلسون و کلینگ	نظریه «پنجره‌های شکسته»	نگهداری و حفظ اموال به مانند نظارت، کنترل ورودی‌ها و قلمروگرایی به راهبردهای «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» افزوده شد.
دهه ۹۰ میلادی	جرم‌شناسان کانادایی با نام- های پاتریشیا و برانتینگهام	تدوین کتابی تحت عنوان «جرم‌شناسی محیطی» و تبیین نظریه هندسه جرم؛ یعنی جرم هنگامی روی می‌دهد که تمام ارکان لازم برای ارتکاب جرم فراهم باشد. این عناصر عبارتند از قانون، مجرم، آماج جرم و مکان. این چهار عامل را تحت عنوان «چهار بعد جرم» نام- گذاری کردند (برانتینگهام، ۱۹۹۱).	تأکید و توجه به اهمیت مکان، به منظور پیشگیری از وقوع جرم (برانتینگهام، ۱۹۹۱)
	جرم‌شناسان انگلیسی، رونالد کلارک	گسترش دیدگاه مبتنی بر پیشگیری وضعی از وقوع جرم (کلارک، ۱۹۹۵)	پیشگیری وضعی با هدف کاهش فرصت‌های مجرمانه، از طریق تغییر در اوضاع و احوال مابین ارتکاب جرم و بهبود طراحی و کیفیت محیط در پیشگیری از جرم (کلارک، ۱۹۹۵)
	کرو	اقدامات مؤثر به منظور پیشبرد برنامه‌ها و راهبردهای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (کرو، ۲۰۰۰)	ارائه راهبردهای رویکرد تأکید بر طراحی مناسب و استفاده مؤثر از ساخت محیط در جهت کاهش جرم و ترس از جرم
دهه ۹۰ میلادی	ری جفری	محیط هرگز نمی‌تواند مستقیماً بر رفتار فرد تأثیر بگذارد بلکه این کار، تنها از طریق «ذهن» انجام می‌شود.	توجه به ذهن و محیط فیزیکی در تدوین الگوهای پیشگیری از جرم و صرف تکیه بر محیط خارجی، موجب نادیده گرفتن سایر ابعاد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی خواهد شد.
	سویل و کلیولند	تدوین مقاله‌ای به منظور توجه به جنبه‌های بوم‌شناسی اجتماعی در نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که این مسئله شامل موضوعات اجتماعی و روان‌شناختی بوده و پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را از سطح محیط فیزیکی، ساختمان و محیط ساخته شده فراتر برده است.	تأکید بر توجه به محیط و جنبه‌های اجتماعی در نظریه پیشگیری از جرم (سویل، ۱۹۹۷: ۹-۷).
سال ۲۰۰۰ میلادی		در این دهه، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی توانسته است مقبولیتی جهانی کسب کند و به محیط فیزیکی اشاره دارد و منظور از محیط، همان محیط فیزیکی است. برخلاف مفهوم مورد نظر جفری که مفهوم محیط را به مسائلی چون بوم‌شناسی اجتماعی و مسائل روان‌شناختی گسترش داد؛ در واقع در این دوره به این علت که سایر راهکارهای مبارزه با جرائم مؤثر نبوده است؛ پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و پیشگیری وضعی به یکی از دیدگاه‌های رایج در مورد پیشگیری از جرم تبدیل شده و بر سایر انواع پیشگیری، مانند پیشگیری اجتماعی اولویت دارد.	

مؤلفه‌های اصلی مطرح در نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»
 اصول مطرح در نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» همچون تعریف آن
 در منابع گوناگون متنوع بوده؛ از این رو در زیر مهم‌ترین اصولی که در اکثر منابع مشترک
 هستند، به صورت خلاصه بیان می‌شود:

جدول ۴: مؤلفه‌های اصلی مطرح در نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی

معیارها	مشارکت ساکنان	قلمرو کرای	حسن مالکیت و یا	نظارت طبیعی	نگهداری	مدیریت، تعمیر و	قلمروهای طبیعی	(حفاظت فیزیکی)	ارتکاب جرم	کنترل دسترسی	علاقات جمعی	قنایت و فضاهای	ساخت	(تراکم و تنوع	زیبایی شناسی	تصور ذهنی و	باشگاه‌های ورزشی	کلوپ‌ها،	ساختار
کتاب مکان‌های امن‌تر با رویکرد دستیابی به جامعه پایدار (دیویس و آلیستر، ۲۰۰۴: ۹۰-۱۳)			•			•		•	•	•			•						
مقاله هادی محمودی نژاد و سوزان آچک (محمودی نژاد و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۳)				•	•	•	•	•											
کتاب راهنمای طراحی محیطی پیشگیری از جرائم شهری در سنگاپور (هون، ۲۰۰۳: ۲۷-۸)			•	•	•			•											
نظریه پردازان نسل دوم این نظریه همانند سویل و کلیولند (سویل و کلیولند، ۱۹۹۷: ۷-۵)	•		•				•										•		
تعریف دیارتان سرویس‌های توسعه اجتماعی ^۱			•	•				•											
مطالعات بین‌المللی و با رهنمودهای کارشناسان محلی (ناپیر و پلسی، ۱۹۹۸: ۱۱-۷).			•	•				•	•					•					
کتاب راهنمای طراحی محیطی در پیشگیری از جرائم شهری در سنگاپور (هون، ۲۰۰۲: ۲۷-۸)			•	•	•			•											

با توجه به نظریات بیان شده از صاحب‌نظران و اندیشمندان در بخش‌های قبلی پژوهش، به منظور استخراج و تبیین مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار در نظریه‌های پیشگیری

1. Department of community development services

وضعی از جرائم از طریق طراحی محیطی؛ حال می‌توان این‌گونه بیان کرد که از میان تمامی موارد بیان شده، مؤلفه‌های حس مالکیت (قلمروگرایی)، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت و مدیریت، تعمیر و نگهداری از سایر مؤلفه‌های دیگر دارای تأثیرگذاری بیشتری هستند که در ادامه، این پژوهش سعی در تبیین اولویت تأثیرگذاری این مؤلفه‌های مؤثر به منظور پیشگیری وضعی جرائم از طریق طراحی محیطی در بافت‌های فرسوده شهری در جهت ارتقای امنیت اجتماعی این بافت‌ها دارد که در همین راستا، الگوی تحلیلی برآمده از نظرات اندیشمندان در بخش‌های قبلی، تدوین و سپس در نمونه موردی مطالعه (محله شهید خوبخت منطقه ۱۵ تهران) مورد سنجش واقع می‌شود.

شناخت محدوده مورد مطالعه

محله خوبخت در ناحیه امام علی (ع) در منطقه ۱۵ شهر تهران واقع شده است. بخش اعظم این ناحیه فرسوده بوده و تملک‌ها و تخریب‌های انجام شده - برای آزادسازی مسیر بزرگراه امام علی (ع) که از این ناحیه می‌گذرد - وضعیت بسیار نامطلوبی را رقم زده است. این شرایط در کنار تراکم جمعیتی بالا، کمبود خدمات شهری و ناکارآمدی دسترسی‌ها در بخش‌های داخلی بافت، سبب شده تا این محدوده به عنوان یکی از اولویت‌های نوسازی مطرح شود. یکی از شش قسمت حاصل از تقسیمات ساختاری ناحیه امام علی (ع)، محله خوبخت (محله ۴) است که از تجمع تعدادی کوی قابل شناسایی تشکیل شده است.



شکل ۱: محلات ناحیه امام علی
منبع: (صادقیانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)



شکل ۲: موقعیت ناحیه امام علی در استان تهران
منبع: (صادقیانی، ۱۳۹۲: ۱۳۴)

عواملی همانند وابستگی خانوارهای ساکن منطقه و اقشار کم‌درآمد شهر؛ ساخت بخش بزرگی از بافت مسکونی منطقه در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به دنبال هجوم مهاجران به شهر و اسکان در حاشیه آن و سیاست‌های مسکن و تفکیک زمین اعمال شده در آن سال‌ها؛ سابقه ساخت بخش قابل توجهی از بافت مسکونی منطقه در چارچوب مجموعه‌های مسکونی ارزان قیمت برای اقشار کم‌درآمد و... موجب شده است تا فشردگی بافت، ریزدانگی قطعات، تراکم بالای مسکن، معابر باریک و کم عرض و شبکه دسترسی نامناسب، فرسودگی کالبدی یا عملکردی بافت، واحدهای مسکونی کوچک، کوتاه مرتبه بودن ساختمان‌ها، ساخت‌وسازهای حاشیه‌ای با سیمای فقیرانه و فاقد معماری مشخص و... از مشخصه‌های بارز بخش بزرگی از بافت مسکونی منطقه و محله است که این عوامل، در کنار تعداد زیاد ساختمان‌های نیم کاره که به منظور نوسازی به تصرف و تملک سازمان نوسازی درآمده است و همچنین به سبب طولانی شدن پروژه، موجبات کاهش امنیت اجتماعی و حضور بیش از پیش بزه‌کاران در زمان قبل از نوسازی فراهم شده است؛ به همین دلیل محدوده محله مورد نظر به منظور سنجش صحت، میزان و اولویت تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های تدوین شده در الگوی مفهومی، توسط نگارندگان به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است.

ب) یافته‌های استنباطی

بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های الگوی مفهومی بر ارتقای امنیت اجتماعی بافت فرسوده شهری

همان‌طور که در بخش چارچوب نظری تحقیق تدوین شده‌است؛ مؤلفه‌های حس مالکیت (قلمروگرایی)، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از کاربری‌ها و فعالیت و مدیریت، تعمیر و نگهداری به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری در نظر گرفته شده است و با توجه به الگوی مفهومی تدوین شده در راستای سنجش هر یک از ابعاد، معیارها و شاخص‌های هر یک از این مؤلفه‌ها پرسش‌نامه‌ای تدوین شد و از ساکنان محله خواسته شد تا به این سؤال‌ها پاسخ دهند که از این طریق بتوان اولویت تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های تدوین شده در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری را تعیین کرد؛ بنابراین در ابتدا، روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها بررسی شده که در سنجش روایی آن از روش روایی محتوایی استفاده شده؛ بدین‌صورت که قبل از اجرا، چندین نفر از متخصصان و صاحب‌نظران پرسشنامه را مطالعه و مورد بررسی و اصلاح قرار دادند و اعتبار محتوای این پرسشنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفته و همچنین به‌منظور بررسی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه استفاده شد. نتایج این تحلیل حاکی از آن بود که ضریب پایایی به روش ذکرشده برای کل پرسشنامه برابر با $0/88$ بود که حاکی از پایایی قابل‌قبول پرسشنامه است و جهت تعیین حجم نمونه موردی پرسش‌نامه نیز از جدول گرجسی و مورگان استفاده شده است و در نتیجه با توجه به جمعیت ساکنان محله ۳۸۶ نفر به صورت توزیع تصادفی مخاطب پژوهش قرار گرفته‌اند و در راستای تحلیل میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها، ابتدا معناداری و قابلیت تعمیم هر یک از آن‌ها در سطح محدوده مدنظر با استفاده از آزمون تی مورد سنجش قرار گرفت که همه متغیرها در سطح بالایی قابل تعمیم به جامعه تشخیص داده شدند. سپس در راستای پاسخ به میزان اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. تحلیل رگرسیونی این امکان را فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته تعیین شود؛ بنابراین به دلیل استفاده از این روش آماری در تحلیل میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها در ابتدا، میزان ضریب همبستگی هر

یک از متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج استفاده از این روش آماری و آزمون مربوط به آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۵: ضریب همبستگی و آزمون آن، جهت بررسی روابط میان متغیرها

مؤلفه حس مالکیت (قلمروگرایی) *	کاربری‌ها و فعالیت * امنیت اجتماعی	مدیریت، تعمیر و نگهداری * امنیت اجتماعی	مؤلفه کنترل دسترسی * امنیت اجتماعی	مؤلفه نظارت طبیعی * امنیت اجتماعی	رابطه مورد نظر
۰/۵۹	۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۶۲	۰/۶۲	ضریب همبستگی پیرسون
./.	./.	./.	./.	./.	سطح معناداری

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد که هر یک از متغیرها، دارای سطح معناداری بالایی در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیمی میان مؤلفه‌های استخراج شده به منظور طراحی کالبدی و ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری برقرار است؛ به عبارتی دیگر، با ارتقای کیفیت هر یک از متغیرها، میزان امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری نیز ارتقا می‌یابد. در ادامه، برای بررسی تأثیر هم‌زمان مؤلفه‌های حس مالکیت (قلمروگرایی)، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت و مدیریت، تعمیر و نگهداری به عنوان مؤلفه‌های مؤثر تأثیرگذار در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری، از تحلیل رگرسیونی چندگانه استفاده شد. نتایج تحلیل حاصل از آنالیز رگرسیونی چند متغیره و همچنین آزمون آنالیز واریانس مربوط به آن، در جدول شماره ۵ آمده است. نتایج تجزیه و تحلیل واریانس، گویای این مطلب است که خط رگرسیون معنادار شده است ($0.05 <$ ضریب همبستگی و $194/913 =$ فراوانی)؛ همچنان که با توجه به نتایج آنالیز رگرسیون، اثر مؤلفه‌های حس مالکیت (قلمروگرایی)، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت و مدیریت، تعمیر و نگهداری به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری معنادار شده است ($0.05 <$ ضریب همبستگی). علاوه بر این، با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد شده رگرسیونی، متغیر «حس مالکیت (قلمروگرایی)»، بیش‌ترین تأثیر را بر ارتقای امنیت اجتماعی به منظور بهره‌گیری از آثار و نتایج آن در بافت‌های فرسوده شهری دارا است ($0/461 =$ بتا). دومین متغیری که از نظر وزن بتا وارد مطالعه شده است؛ مؤلفه مدیریت، تعمیر و

نگهداری است. ضریب استاندارد شده یا بتای آن برابر با ۰/۲۳۷ برابر است که به معنی ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری از طریق توجه به مدیریت، تعمیر و نگهداری است و متغیر سومی که از لحاظ وزن بتا مورد مطالعه قرار گرفته است؛ مؤلفه کنترل دسترسی است و ضریب استاندارد شده یا بتا آن با ۰/۲۰۱ برابر است و این بدان معناست که هرچه مؤلفه کنترل دسترسی در طراحی کالبدی بافت‌های فرسوده شهری بیشتر مورد توجه قرار گیرد، به همان نسبت میزان امنیت اجتماعی نیز ارتقا می‌یابد. چهارمین متغیری که از نظر وزن بتا وارد مطالعه شده است؛ مؤلفه کاربری‌ها و فعالیت است که ضریب استاندارد شده یا بتای آن برابر با ۰/۱۶۸ است و پس از آن نیز پنجمین و آخرین مؤلفه نظارت طبیعی است که مورد مطالعه واقع شده است که ضریب استاندارد شده یا بتای آن برابر با ۰/۱۲۵ است و این بدین معنا است که با ایجاد امکان افزایش نظارت طبیعی، می‌توان موجبات ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری را سبب شد.

جدول ۶: رگرسیون چند متغیره برای شناسایی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری

عنوان متغیر	بی	سی	بتا	تی	ضریب همبستگی
مؤلفه حس مالکیت (قلمروگرایی)	۰/۴۶۱	۰/۰۲۹	۰/۴۵۱	۱۵/۷۱۸	۰/۰۰
مؤلفه کاربری‌ها و فعالیت	۰/۲۱۲	۰/۰۶۴	۰/۱۶۸	۳/۳۳۳	۰/۰۰۱
مؤلفه مدیریت، تعمیر و نگهداری	۰/۲۳۱	۰/۰۴۷	۰/۲۳۷	۴/۹۶۳	۰/۰۰
مؤلفه کنترل دسترسی	۰/۲۱۱	۰/۰۴۳	۰/۲۰۱	۴/۹۶۲	۰/۰۰
مؤلفه نظارت طبیعی	۰/۱۴۰	۰/۰۶۰	۰/۱۲۵	۲/۳۳۳	۰/۰۲۰
عدد ثابت	۰/۸۷۷	۰/۱۴۶		۶/۰۰۲	۰/۰۰

سطح معناداری=۰/۰۰۵ فراوانی=۱۹۴/۹۱۳

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، به بررسی معیارهای تأثیرگذار در ارتقای امنیت اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری پرداخته شده است؛ بدین منظور، محله شهید خوبخت -از منطقه ۱۵ شهرداری تهران- برای نمونه مورد بررسی انتخاب شد. نتایج تحقیق با رویکرد تحلیلی -توصیفی بررسی شد که در قسمت اول به بررسی پیشینه نظریه‌های طراحی کالبدی به منظور پیشگیری از جرائم محیطی پرداخته و پس از استخراج مؤلفه‌ها، ابعاد و

شاخص‌های تأثیرگذار بر ارتقای امنیت اجتماعی برگرفته شده از نظرات اندیشمندان این حوزه، اقدام به تدوین الگوی تحلیلی مرتبط با موضوع پژوهش کرده‌اند و سپس پرسش‌نامه‌ای بر اساس شاخص‌های بیان شده در این الگوی تحلیلی تنظیم شده است. در قسمت دوم، به بررسی رابطه میان متغیر مستقل (ارتقای امنیت اجتماعی) و متغیر وابسته (بافت‌های فرسوده) پرداخته شد. در راستای تحلیل میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها، ابتدا معناداری و قابلیت تعمیم هر یک از آن‌ها در سطح محدوده مدنظر با استفاده از آزمون تی مورد سنجش قرار گرفت که همه متغیرها در سطح بالایی قابل تعمیم به جامعه تشخیص داده شدند؛ سپس در راستای پاسخ به میزان اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. تحلیل رگرسیونی این امکان را فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته تعیین شود؛ بنابراین به دلیل استفاده از این روش آماری در تحلیل میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها در ابتدا، میزان ضریب همبستگی هر یک از متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل شده از آزمون‌های انجام شده توسط نگارندگان و تأیید صحت و درستی الگوی مفهومی تدوین شده به منظور ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری؛ به نظر می‌رسد که رویکرد بهره‌گیری از طراحی کالبدی - به منظور ارتقای امنیت اجتماعی - یکی از راهبردهای مؤثر در این زمینه است؛ بنابراین همان‌طور که از نتایج پژوهش حاضر مشاهده می‌شود؛ به منظور دستیابی به هدف ارتقای امنیت اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری، اولویت به ترتیب با توجه به اهمیت و ضرورت مؤلفه حس مالکیت (قلمروگرایی)، مدیریت، تعمیر و نگهداری، کنترل دسترسی، کاربری‌ها و فعالیت و نظارت طبیعی است که با ارتقای سطح این مؤلفه‌ها، شاخص امنیت اجتماعی محله نیز به طرز چشمگیری ارتقا می‌یابد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که می‌توان با بهره‌گیری از شاخص‌های ابعاد مؤلفه‌های ذکر شده در پژوهش، موجبات ارتقای امنیت اجتماعی بافت فرسوده شهری به میزان نسبی را محقق کرد.

پیشنهادها

در فضاهای قابل دفاع، مردم باید هنگامی که جرمی رخ می‌دهد به گزارش دادن آن جرم یا دخالت کردن در آن تمایل داشته باشند. افزایش حس امنیت ساکنان در محل زندگی یا کار آنان، منجر به تشویق مردم به کنترل و نظارت بر محله خود شده و نهایتاً حس مالکیت و حس تعلق به محله را افزایش خواهد داد.

۱- نورپردازی فضاهای اصلی شهری مانند خیابان، میدان و... در شب به منظور افزایش نظارت طبیعی.

۲- امکان نظارت، کنترل و مداخله بر فضاهای عمومی شهری توسط ساکنان.

۳- بهره‌گیری از طراحی اجتماعی در حوزه مسکن و خانه‌سازی.

۴- کنترل اجتماعی در مناطق مسکونی، از طریق نظارت طبیعی به وسیله ساکنان.

۵- پیشگیری وضعی با هدف کاهش فرصت‌های مجرمانه، از طریق تغییر در اوضاع و احوال ماقبل ارتکاب جرم و بهبود طراحی و کیفیت محیط در پیشگیری از جرم.

۶- اتخاذ تدابیر مناسب در طراحی، همانند بهره‌مندی از فاصله مناسب میان ساختمان‌ها، وسعت و اندازه مناسب فضاهای عمومی به منظور امکان نظارت طبیعی.

۷- مشخص کردن مالکیت زمین‌ها و مکان‌های متروک.

۸- کنترل دسترسی در بلوک‌های مجزای ساختمانی و یا در مراکز تجاری از طریق قفل‌ها، درب‌ها و حفاظ‌ها و...، به منظور ممانعت از ورود اشخاصی که حضورشان در محل دلیل مناسبی ندارد.

۹- ایجاد مکان‌هایی با معابر، فضاها و ورودی‌های تعریف شده که امکان حرکت راحت و مناسب را در عین امنیت تأمین کند.

منابع

- سپانلو، ابوالفتح (۱۳۸۸). درس‌های مشهد: تجربه‌ای در معاصر سازی پهنه‌های شهری فرسوده، چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات کندر.

- صادقیانی، آرش (۱۳۹۲). طراحی شهری محله شهید خوبخت جهت ارتقای امنیت اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه علوم و

تحقیقات تهران: سال دفاع ۱۳۹۲.

- قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق پردیس دانشگاه تهران، سال دفاع ۱۳۸۶.

- کلانتری، محسن؛ مهدی توکلی (۱۳۸۶). شناسایی کانون‌های جرم خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره دوم، سال دوم.

- گلکار، کوروش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، مجله صفا، شماره ۳۲.

- محمودی نژاد، هادی و سوزان آجوک (۱۳۸۵)، جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی؛ بازخوانی حفاظت محیطی در شهرسازی و معماری سنتی، مجله ما.

- مروتی، نادر (۱۳۲۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی.

- مهندسان مشاور طرح و آمایش (۱۳۹۲). بررسی نظام مداخله برای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران، تهران (مطالعه موردی: محله امامزاده عبدالله تهران)، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۱، بهار.

- angel, s. 1968. discouraging crime through city planning, barkley C A, working paper no 75 university of California.

- brantingham, P.J and faust, F.L. 1976, A conceptual model of crime prevention, crime and delinquency brantingham, P.L. 1991, brantingham, P.J., ibid.

- clark, R.V. 1995, Situational crime prevention in building a safer society: strategic approaches to crime prevention, crime and justice university of Chicago press.

- Kevin Lynch., 2005, The Dictionary of Urbanism. Streetwise Press.

- crowe, T. 2000, crime prevention through environmental design: applications of architectural design and space management concept, oxford, butterworth Heinemann.

- davies, L. and McAllister, H. 2004, safer places- the planning system and crime prevention, office of the deputy prime minister.

- Hoon, T. 2003, crime prevention through environmental design guidebook, Singapore, national crime prevention council.

- jeffery, C.R. 1990, criminology: an interdisciplinary approach, Englewood cliffs-nj, prentice-hall.
- jeffery, C.R., and zahm, D.L. 1993, crime pervationthrough environmental design: opportunity theory and rational chiicemodels,advance in criminology theory, vol.5.
- napier,M. and plessis, C. 1998,environmental design for safer communities in south Africa, CSIR.
- newman, O. 1973, architectural design for crime prevention, Washington D.C, US department of justice.
- saville, G. and Cleveland, G. 1997, 2 generation CPTED: an antidote to the social Y2K virus of urban design, florida state university,school of criminology and criminal justice.